

روایت رسمی؛ حذف تضادها و سرکوب‌ها

در روی دیگر سکه دانشگاه تهران چه خبر است؟

چندی پیش باخبر شدیم که قرار است در برنامه‌ای با عنوان «روزی با دانشگاه تهران»، از دانش‌آموزانی که به‌تازگی کنکور را پشت سر گذاشته‌اند، دعوت شود تا با حضور در دانشکده‌های مختلف، با فضای دانشگاه و رشته‌های تحصیلی مختلف آشنا شوند و در واقع با آگاهی بیشتری دست به انتخاب رشته بزنند. در همین اثنا، از انجمن‌های علمی دانشجویی مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی نیز دعوت شد تا در برگزاری این نشست مشارکت داشته باشند. از شورای صنفی اما دعوتی به عمل نیامد، حال آنکه شورای عمومی شورای صنفی با مجموع شورای عمومی همه تشکل‌های دانشجویی دیگر برابر است و به همین سبب ضرورت حضورش در برنامه‌هایی از این دست، غیر قابل انکار است.

علاوه بر این، مطلع شدیم که گویا مسئولین دانشکده مایل بودند که نکات منفی و نواقص دانشکده و رشته‌ها در این برنامه منعکس نشود و تنها به نکات مثبت اشاره شود! نام این کار چیست؟ آن‌ها احتمالاً نامش را می‌گذارند «نگفتن همه حقیقت». ما اما نام حقیقی‌اش را می‌دانیم و در واقع هر روز، در این دانشکده و دانشگاه آن را می‌شنویم و با آن زندگی می‌کنیم: «دروغ»

راست می‌گویند که تاریخ، روایت فاتحان است. اینجا و امروز، تاریخی که فاتحان برای ما نوشته‌اند را از تربیون‌های رسمی شنیدید. ما اما بر آنیم روایت دیگرگونی را برایتان عرضه کنیم، روایت آن روی دیگر سکه. می‌خواهیم راوی صدای خودمان باشیم؛ صدای دانشجویانی که هر بار خواستند صدایشان را به گوش همگان برسانند، سرکوب شدند. همان‌ها که علی‌رغم همه ناامیدی‌ها و فشارها، هنوز تلاش می‌کنند تا کورسوی بی‌رمقی که باقی مانده است را از گزند طوفان‌ها حفظ کنند و قوت ببخشند.

هدف ما از ارائه و ابراز این روایت «دیگر»، نه سیاه‌نمایی‌ست و نه منصرف کردن شما از انتخاب این دانشکده. ما اتفاقاً می‌خواهیم به جای «نگفتن همه حقیقت»، «همه حقیقت»

را به‌تمامی بگوییم تا تصویر دقیق‌تری از شرایط موجود را برایتان ترسیم کنیم و یقین داریم که از قضا همین تصویر به شما کمک خواهد کرد تا با آمادگی و آگاهی بیشتری دست به انتخاب بزنید و احیاناً قدم در این دانشگاه بگذارید.

ما نه بیش از اندازه بدبینیم و نه قائل و علاقمند به اعتراضی میان‌تهی (همان اتهاماتی که «فاتحان» به ما نسبت می‌دهند). ما مشتاقانه و امیدوارانه می‌خواهیم در مقابل نابرابری در همه ساحت زندگی سکوت را پیشه خود نساخته و مقاومت کنیم؛ آن هم در روزگاری که بسیاری خود را ملزم به سکوت و دم بر نیاوردن می‌دانند. ما باور داریم که رسالت و مسئولیت اجتماعی‌مان در آن است که «صدای رسای دادخواهی خود و دیگر فرودستان جامعه باشیم. ما نه به دنبال منافع فردی، که به دنبال خیری عمومی هستیم. ما نه در پی تصاحب و انحصارطلبی و سهم‌خواهی، که به دنبال تقسیم عادلانه منابع هستیم. ما نمی‌خواهیم همه‌جا را به هم بریزیم، بلکه می‌خواهیم صدایمان شنیده شود. اینجا، این خواست‌ها شاید همواره دستاوردی به همراه نداشته باشد اما بی‌گمان تلاش‌های فعلیت‌بخشی را در پی خواهد داشت. ما می‌خواهیم بگوییم اگر علوم اجتماعی انتخاب شماس، نباید نسبت به وضعیت خود و جامعه‌تان بی‌تفاوت باشید. بی‌تفاوتی‌ها به عقب‌گرد منجر خواهد شد و ما این را نمی‌خواهیم. این ویژه‌نامه نیز تلاشی در راستای همین نخواستن و پس زدن عقب‌گرد به مدد فراخوانی حافظه تاریخی جمعی‌ست. در راستای این هدف، تلاش کردیم در این ویژه‌نامه مهم‌ترین رویدادهای معاصر جنبش دانشجویی از سال تحصیلی ۱۳۸۹ تاکنون را مرور کنیم. در این میان از برخی رخدادهای کوچک و جزئی‌تر به دلیل محدودیت فضای تایپ و تعداد کلمات، چشم پوشیدیم و سعی کردیم آن‌ها را ذیل وقایع عمده‌تر بیاوریم. همچنین ترجیح دادیم به برخی روندهای معیوب نیز به جای پرداخت مفصل، اشاره‌ای کوتاه و تیتروار داشته باشیم (به سبب همان

محدودیت پیشین). روندهایی همچون مداخلات بیرونی در جذب اعضای هیئت علمی، به‌روز نبودن اکثر قریب به اتفاق اساتید، دخالت و کارشکنی گروه‌های آموزشی و برخی اساتید در امور مربوط به پایان‌نامه‌ها، عدم نقدپذیری اکثر اساتید و مواردی از این دست. این صدای ناامیدان نیست، صدای امیدوارانی است که هنوز هم قلم‌هایشان را در دست می‌فشارند و از هر امکانی استفاده می‌کنند تا این امید را به دیگران نیز تسری بخشند. امروز می‌خواهیم ندای این امید را به گوش شما نیز برسانیم. امروز که ناگهان بیش از ده دوربین را در گوشه گوشه دانشکده کار گذاشته‌اند تا پیام‌شان را به ما برسانند و مسئولین دانشکده نیز علی‌رغم قول مکتوب‌شان برای جلوگیری از اضافه شدن دوربین‌ها، بدعهدی و سکوت پیشه کرده‌اند. امروز که هر لحظه ممکن است برنامه‌های رسمی و قانونی انجمن‌های علمی با تماس تلفنی نهادهای بیرون از دانشگاه، چند دقیقه پیش از آغاز لغو شوند. امروز که اگر به وضعیت اسفبار خوابگاه‌ها، پولی‌شدن فزاینده دانشگاه و تحمیل محتوای ایدئولوژیک به علوم اعتراض کنیم، احضار به حراست دانشگاه و کمیته انضباطی و نهادهای امنیتی در انتظارمان خواهد بود. امروز که اگر نسبت به وضعیت خطرناک بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی هشدار دهیم، به سیاه‌نمایی متهم خواهیم شد. امروز که اگر به ضرب و شتم اساتید و دانشجویان علوم اجتماعی در زندانها اعتراض کنیم، تهدید و ارباب در انتظارمان خواهد بود. اکنون که حیات دانشجویی‌مان، زیر نگاه خیره و تفتیش‌گر دوربین‌هاست، ما دفاع از علوم اجتماعی منتقد، مستقل و متعهد را بیشتر و بیشتر از گذشته، رسالت خود می‌دانیم؛ دفاع از همه طردشدگان و به حاشیه رانده شدگان. علی‌رغم همه کارشکنی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها و یأس‌ها، می‌خواهیم بگوییم اینجا هنوز امیدهای زیادی وجود دارد. امیدهایی که می‌دانیم با همراهی شما بیشتر و بیشتر خواهد شد. اینجا، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، مقاومت زندگیست!

اینجا، مقاومت زندگیست!

ویژه‌نامه مراسم «روزی با دانشگاه تهران» - ۲۲ مرداد ۱۳۹۶

این ویژه‌نامه با تلاش جمعی از فعالان دانشجویی مستقل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تهیه شده است.



مروری بر تاریخ معاصر جنبش دانشجویی در دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دانشجویان دانشکدهٔ علوم اجتماعی در اعتراض به ضرب و شتم سعید مدنی (پژوهشگر اجتماعی) و سعید رضوی فقیه در زندان، و دفاع از علوم اجتماعی منتقد، مستقل و متعهد دست به اعتصاب غذای نمادین و چیدن ظروف غذا در بوفهٔ دانشکده زدند. روز پیش از اعتصاب نیز یکی از دانشجویان به شکل تلفنی و غیرقانونی به حراست دانشگاه احضار شد!

نشریهٔ ندا به دلیل انتشار بخشی از عکس‌های توقیف‌شدهٔ گلستان در ویژه‌نامه‌اش در حمایت از انجمن علمی جامعه‌شناسی، به مدت سه ماه توقیف شد. نشریات متعددی در دانشکده‌های دیگر نسبت به این ماجرا واکنش نشان دادند و در نهایت با فشار دانشجویان این توقیف در سه ماه تابستان اجرایی شد که عملاً بی‌تأثیر بود!

جمعی از دانشجویان در اعتراض به لغو جلسهٔ نقد و بررسی وضعیت گروه‌های آموزشی از سوی مدیران گروه ها، دست به اعتراض و تحصن در لابی اصلی دانشکده زدند. این تحصن آنقدر ادامه پیدا کرد تا هیئت رئیسه حاضر به گفتگو با دانشجویان در تالار مطهری شد! در نهایت هم با تلاش و فشار زیاد دانشجویان دو هفته بعد جلسه با حضور مدیران گروه‌ها برگزار شد!

یکی از دانشجویان ورودی سال نود مقطع کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی به دلیل انتشار یادداشتی کوتاه در یک نشریهٔ دانشجویی، به اتهام عجیب توهین به مقدسات از دانشگاه اخراج و به مدت دو سال محروم از ادامهٔ تحصیل شد.

به دنبال اعتراضات گستردهٔ دانشجویان نسبت به ابلاغ کدهای پوششی جدید و تلاش برای اعمال فشار بر دانشجویان دختر به‌واسطهٔ حضور فیزیکی نیروهای حراست زن در دانشکده، چند تن از دانشجویان دختر و پسر به کمیتهٔ انضباطی احضار شده و در نهایت حکم انضباطی «درج در پرونده» برایشان صادر شد.

۱۶ آذر ۱۳۹۴

۱۵ آذر ۱۳۹۴

۲۵ خرداد ۱۳۹۴

خرداد ۱۳۹۴

اردیبهشت ۱۳۹۴

آذر ۱۳۹۳

زمستان ۱۳۹۱

بهار ۱۳۹۱

سال تحصیلی ۸۹-۹۰

پاییز ۱۳۸۹

پس از ۶ سال، فعالان صنفی دانشگاه تهران تجمع اعتراضی روز دانشجو در صحن دانشگاه را با محوریت مطالبات صنفی احیا کردند. تبعات امنیتی و انضباطی این تجمع تا ماه‌ها ادامه پیدا کرد.

بعد از اعتراضات مکرر به شیوهٔ تدریس دکتر سید حسن حسینی و نحوهٔ برگزاری امتحان درس «جامعه شناسی انحرافات» همچنین عدم پاسخگویی گروه آموزشی جامعه‌شناسی، و تکرار این شرایط در امتحان روز بعد، اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان در اعتراض به امتداد این شرایط برگهٔ امتحان درس «جامعه شناسی روستایی» را سفید تحویل دادند! این ماجرا در نهایت منجر به تکرار امتحان و کناره‌گیری خودخواستهٔ دکتر حسینی از تدریس به مدت دو سال شد.

انجمن علمی جامعه‌شناسی، نمایشگاه عکس‌های کاوه گلستان را برگزار کرد. چند ساعت بعد از آغاز آن، با فشار دلوایسان ریاست وقت دانشکده دستور جمع آوری و سانسور مجموعهٔ «شهر نو» را داد. این اتفاق با اعتراض گستردهٔ دانشجویان و نامهٔ سرگشادهٔ ۲۰۰ تن از دانشجویان علوم اجتماعی به ریاست جمهوری در اعتراض به فضای بستهٔ دانشگاه تهران همراه شد.

جمعی از دختران خوابگاه چمران به دلیل اعتراض به محدودیت‌های ساعت تردد به حراست، کمیتهٔ انضباطی و نهادهای امنیتی احضار شدند. این اتفاق در سال‌های ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵ و ۹۶ هم تکرار شد. در آذر ۹۵ تعدادی از دانشجویان این خوابگاه به دلیل اعتراضات صنفی‌شان باز هم برای بازجویی به نهادهای امنیتی احضار شدند.

در کوران حوادث ۸۸، بسیاری از کانون‌های فرهنگی و شکل های دانشجویی با دخالت‌های بیرونی و فشارهای فراقانونی تعطیل شدند. علوم اجتماعی اما در حد توان مقاومت کرد، در نهایت تمامی کانون‌های فرهنگی دانشکده و شورای صنفی دانشجویان دانشکده به بهانه‌های واهی منحل شدند! در نهایت، با پیگیری‌های دانشجویان، شورای صنفی در اردیبهشت ۹۳ و کانون‌های فرهنگی در پاییز و زمستان ۹۳ بازگشایی شدند.

علی‌رغم قول مکتوب ریاست دانشکده مبنی بر اینکه دوربین جدیدی در فضای دانشکده نصب نخواهد شد، حدود ۱۵ دوربین جدید در جای‌جای دانشکده نصب شد! دوربین‌ها از دیرباز ابزاری برای پرونده‌سازی علیه دانشجویان بوده‌اند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیم داشت با مداخله‌ای بالا به پایین اقدام به تجاری‌سازی و اسلامی‌سازی دروس دانشگاهی علوم اجتماعی کند. مقاومت انجمن‌های علمی علوم اجتماعی دانشکده و دانشگاه‌های دیگر و اتحادیهٔ انجمن های علمی منجر به توقف موقتی این روند شد.

دکتر اصغر ایزدی جیران، عضو جوان و محبوب گروه آموزشی انسان شناسی به دلیل عدم ارتباط با هسته‌های قدرت اخراج شد. در سالیان گذشته نیز علوم اجتماعی با اخراج اساتیدی چون عباس کاظمی و هاله لاجوردی؛ بازنشستگی اجباری اساتیدی چون مرحوم صدیق سروسرانی؛ کارشنکی در جذب اساتیدی چون نهال نفیسی؛ و جذب تعدادی از اساتید با فشار نهادهای بیرونی روبرو بوده است.

جلسات عمومی گفتگوی دانشجویان با هیئت رئیسه که چند ماهی بود دوشنبهٔ آخر هر ماه برگزار می‌شد، پس از اعتراض شدید دانشجویان به مداخلات بیرونی در ماجرای تخصیص فضای فیزیکی، توسط دکتر نوربخش، رئیس وقت دانشکده لغو شد و دیگر احیا نشد!

پس از تجمع روز دانشجو، تعدادی از فعالان صنفی کوی دانشگاه به کمیتهٔ انضباطی احضار شدند. بخشی از دانشجویان علوم اجتماعی و کوی همراه آنان به کمیتهٔ انضباطی مراجعه کرده و ضمن اعلام اعتراض خود، با تحصن ۷ ساعته در سازمان مرکزی دانشگاه، قول اولین جلسهٔ عمومی دکتر نیلی - رئیس دانشگاه - با عموم دانشجویان دربارهٔ مسائل صنفی را گرفتند و این جلسه ابتدای دی‌ماه برگزار شد!

آنچه شما به ارمغان خواهید آورد

مرداد ۱۳۹۶

مرداد ۱۳۹۶

۲۸ آذر ۱۳۹۵

۱۶ آذر ۱۳۹۵

بهار ۱۳۹۵

۱۸ اسفند ۱۳۹۴

اسفند ۱۳۹۴

زمستان ۱۳۹۴

۲۹ آذر ۱۳۹۴

نشست «تبعات اجتماعی طرح کارورزی» که چهار انجمن علمی دانشکده با همکاری اتحادیهٔ انجمن‌های علمی دانشجویی علوم اجتماعی کشور قصد برگزاری آن را داشتند، به بهانه‌های واهی و با فشار نهادهای بیرونی، به طور غیرقانونی لغو شد. دانشکدهٔ علوم اجتماعی در طول این سال‌ها بارها شاهد لغو برنامه‌های علمی و فرهنگی خود بوده است.

فعالان صنفی دانشگاه تهران برای دومین سال پیاپی هم‌زمان با سخنرانی رئیس جمهور در دانشگاه تهران اقدام به برگزاری تجمع صنفی خودجوش کردند. چند روز پیش از آن نیز ۱۱ هزار نفر از دانشجویان سراسر کشور در قالب «بیانیهٔ فراگیر» نسبت به روندهای موجود اعتراض کرده بودند، مجموع این شرایط منجر به تهدید و احضار گستردهٔ فعالان صنفی کشور توسط نهادهای امنیتی شد، علوم اجتماعی هم مثل همیشه سهم قابل‌توجهی در این تهدیدها و احضارها داشت!

در کمتر از یک ساعت، ۱۲ تن از فعالان دانشجویی دانشکدهٔ علوم اجتماعی به صورت تلفنی و غیرقانونی به کمیتهٔ انضباطی احضار شدند. در نهایت برای ۶ نفر احضاریهٔ کتنی آمد. دانشجویان مقاومت‌های زیادی کردند. چند بیانیه صادر شد و دو تحصن چندساعتهٔ دانشجویی با حضور ۵۰ تا ۷۰ دانشجو در ساختمان مرکزی کمیتهٔ انضباطی شکل گرفت. در نهایت با فشار بدنهٔ دانشجویی تمامی پرونده‌ها بدون صدور حکم، مختومه شد.

به تشکلهایی که به تازگی احیا شده بودند (همچون کانون‌های فرهنگی و انجمن‌های علمی دانشجویی مقطع ارشد)، علی‌رغم وجود هشت اتاق خالی در دانشکده، فضای فیزیکی لازم برای فعالیت داده نمی‌شد. این امتناع مسئولین از تخصیص فضاها، منجر به اعتراضات گستردهٔ دانشجویان شد. در نهایت این ماجرا با مداخله و دستور مستقیم حراست دانشگاه مبنی بر عدم واگذاری اتاق‌ها به دانشجویان پایان یافت!